



• چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۱۳

حدیث روز

امام سجاد(ع): خداوند هر قلب محزون و هر بنده شکر گزار را دوست دارد.

ذکر روز چهارشنبه
صد مرتبه: یا حی یا قیوم

در محضر بزرگان

انسان شناسی

مرحوم علامه جعفری فرموده اند: برخی معتقدند که انسان تکامل یافته ترین موجودات عالم طبیعت است. یعنی انسان اشرف موجودات است. بر این نظریه دو انتقاد وارد است: اولاً ما هنوز طبیعت را به طور کامل نشناخته ایم تا بدانیم چه موجوداتی وجود دارند و در میان آن موجودات، آیا انسان برتر است یا نه؟ ثانیاً نباید پیچیدگی ابعاد انسان و تنوع استعداد های او را با اشرف موجودات بودن او اشتباه کنیم. عده ای معتقدند که انسان موجودی شایسته و با عظمت است، ولی نمی توان او را تکامل یافته ترین موجودات یا اشرف موجودات دانست، زیرا به استثنای اقلیتی از انسان ها، سایر افراد در خودخواهی و لذت پرستی غوطه ور بوده اند.

موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

شعر طنز

دوبیتی های یلدایی

یار محمد خدنگی

هواسرد است و می چسبد بخاری سپس صبحانه با نان سوخاری برای سورو سات چله ما خداوند ارسان یکصد دلاری! ***

شب چله که می آید، خمارم به جان باجناق و شش برارم ز بس که هی کشیدم سفته و چک رسیده بیست و دو حالا فشارم!

کاریکلماتور

رفضاوارسته

• با زمین «خور دن» بعضی ها، خیلی ها زمین خوردند! • قطار خاطرات ایستگاه نداشت. • سواد «خط» نداشت، برای همه نشان می کشید! • روی زمین اسیر «پول» بود، زیر زمین اسیر «خاک». • جواب زنگ ها را با «ضد زنگ» می داد.

قرارمدار



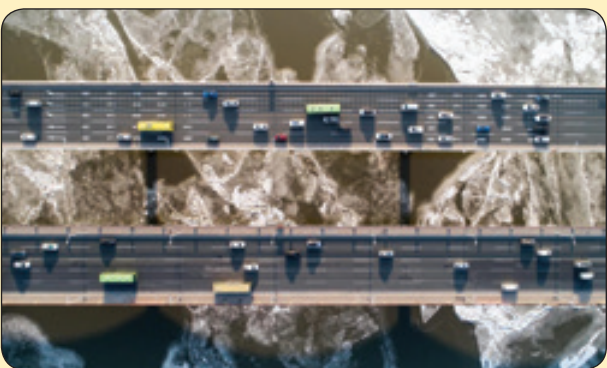
اندکی صبر

کلاغ

مراجان کتی

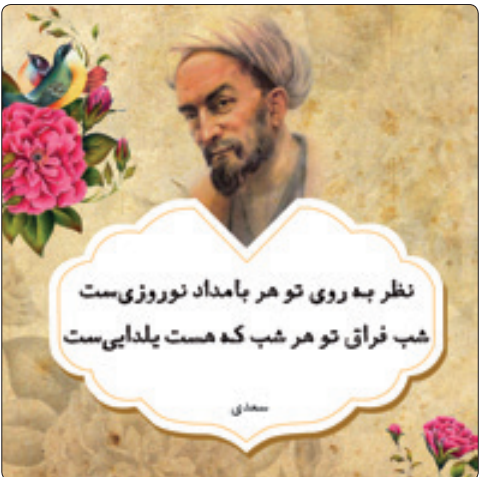
حتی صدای کلاغ ها مرا به شوق می آورد گویی از تو خبر می آورد همین مرا بس...

دنیا به روایت تصویر



تلگراف | عبور خودروها از روی رودخانه یخ زده، چین

بند نیکان



اف. سی. خانجون

قسمت چهارم

آبدولیاچگینی

مهرشاد مرتضوی | طنزپرداز

یادتونه در باره بوکس باها تون حرف زدم؟ بدش رفته پیش همون دکتر فیزیوتراپم، گفت مادر جان از پاهاتم کار بکش. بدش توضیح داد که یعنی ورزش کن باهاشون. دیگه تصمیم گرفتم از بوکس بیام بیرون، برم سمت تگواندو. چون دکتر گفت بذار خون به پات برسه.

تگواندو خیلی ورزش خوبیه. من که دوست داشتم. ولی نمی دونم چرا بقیه دوست نداشتن من ورزش کنم. همون اول رفته لباس خریدم، رفتهم رو شیاپ چانگ، حریف اول روز دم، حریف دوم روز دم، سومی، چهارمی، داور، مربی، تماشاچیا، یکی یه لگدمی زدم بهشون می افتادن. مربیم گیر داده بود یه جوری زن که خون ریزی کنن. گفتم بابا دکنتم گفته باید خون به پاهات برسه. الان خون شون تازه داره می ریزه رویام دیگه. بذار چهار تا آبدولیاچگینی بیشتر بزنم، برای سلامتیم خوبه ها نه! دیگه همون روز کمر بند سیاه رو بهم دادن، گفتن برو بیرون بشین تانسل تگواندو کار ایرانی رو منقرض کن ردی.

چند وقت بعد فرستادم برای مسابقات جهانی. دلتون نخواد اونجا هم همه رو زدم. از این شبکه های خارجی اومدن پرسیدن رمز موفقیت تون چیه؟ گفتم «اینا همه به خاطر بچگی هامونه. شیر گاومیش می خور دیم باروغن کر موشاهی. چیه جوونای الان با غذا های زیرتی بزرگ میشن؟ من دختر اول خونه بودم، غذا می خوردم انرژی می گرفتم، آجیم می اومد نزدیک با لگدمی زدم تو سرش. دیگه از اون موقع روم مونده.» ولی اسم روغن کر موشاهی که اومد، چهار تا دکتر ریختن سرم، ازم تست دوپینگ گرفتن، به لیست دادن بهم گفتن اینا چیه می خوری؟ گفتم این مال قلبمه، اون واسه کبد، این یکی مال در دز انومه، اونم خوش رنگه روزی یکی می خورم، فقط تورو خدا به دخترم نکید. دیگه دیدن اوضاعم خرابه، مدال های تازه سال آینده رو دادن بهم، گفتن برو خونه بشین مادر، هیجان برات ضرر داره. الانم که در خدمت شما هستم با چهار گردن آویز خوش رنگ طلا.

دانستنی ها



• «گرونینگ»، خالق مجموعه تلویزیونی مشهور سیمپسون ها، بیشتر شخصیت های این مجموعه را از روی نام اعضای خانواده اش نام گذاری کرده است: هومر (پدرش)، مارگارت (مادرش)، مگی و لیزا (خواهرانش) و آب (پدر بزرگش). شخصیت بارت از ویژگی های شخصیتی برادرش مارک الهام گرفته شده است.



• برندگان اسکار اگر تصمیم بگیرند جایزه خود را بفروشند، ابتدا باید آن را به آکادمی به قیمت یک دلار پیشنهاد دهند. اگر آکادمی پیشنهاد آن ها را رد کند، دیگر نمی توانند مجسمه را برای خود نگه دارند! مثلاً «استیون اسپیلبرگ» در سال ۲۰۰۱ جایزه اسکار «بت دیویس» را به قیمت ۵۷۸ هزار دلار خرید و پس از آن مجسمه را به آکادمی اهدا کرد.



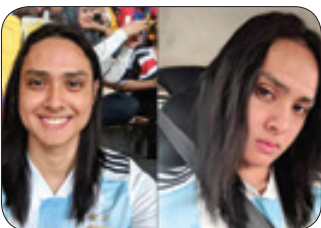
آسوشیتد پرس | همزیستی مسالمت آمیز!

تاپخند

• من از بچگی هم مرد زندگی بودم... می رفتهم خونه مادر بزرگم چرخ خیاطیش روم می کردم ماشین، باهاش مسافر کشی می کردم! • باهر معیاری که نگاه می کنم سبب مینی نباید فحش حساب بشه... کمالاتش از خاویار بیشتره، ادعاش از گلایبی کمتر! • رفتهم باشگاه بدن سازی که لاغر کنم، به مربی گفتم یه چربی سوز مناسب حدودا جفدر درمیاد؟ گفت یه دوره یه ماهه ش تقریباً یه تومن! چررر بیام سوخت! • پول قرض دادن از اهدای عضو هم سخت تره، کاش به جای پول، کبد یا غضروف زانو ی پامون رو قرض می خواستن یه مدت! • یک کیلو سبزی پلو یی خریدم، فروشنده آخرش گفت مبارکتون باشه، گرونی ها به همه فشار آورده!

دور دنیا

زیباترین پسر دنیا!



آدیتی سنترال - پسر ۲۲ ساله مالزیایی به دلیل داشتن چهره غیر مرده انش سوژه رسانه های این کشور شده است. به عقیده رسانه های این کشور او زیباترین مرد دنیاست چرا که با دیدنش هرگز نمی توانید حدس بزنید که او یک زن نیست! به تازگی او برای این که در ورزشگاه فوتبال ثابت کند جنسیتش مرد است، مجبور به ارائه کارت شناسایی شده است اما می گوید به این کار عادت دارد چرا که هیچ کس با دیدنش فکر نمی کند که او پسر است!

منتخب های چی شده؟



چرا اقیافاهات این شکلیه؟! سلام. چرا این قدر پاسخ های تکراری که تو اینترنت پیدا میشه؟ بابا یک کم خلاقیت به خرج بدین! ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک های بی ربط و بی نام و بی مزه متأسفانه حذف شدن. چندان از جمله های نامک تر رو انتخاب کردیم که می خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

• وقتی دیر بچه دار میشی و نوزاد بهت میگه «تو مادر بزرگ منی؟!»
عباس باسفری
• الان میگن برای تحویل باید تا ۸۳ میلیون بدی!
سینا ساریان
• تورو خدا، بابا بنویس پای حسابم ولی پوشکم رو عوض کن!

مریم عسکری، بپر چند • نوزاد: من دارم فشار هارو به خاطر بحران اقتصادی تحمل می کنم، شما چرا قیافهات این شکلیه؟!
• وقتی دلار اومده پایین ولی قیمت پوشک و شیر خشک همچنان رو به بالاست!
مهدی مظفریان
• وقتی می بینی بابات برای پوشک و شیر خشک روی یارانه ات حساب کرده!
شرف نسا کامکار فرد
• خب باباجونی... حاضری؟ گوگولی مگولی تون اومده ز اون زندگی تون رو به هم بریزه!
سمانه درودی
• نوزاد: بابایی واقعا پوشک از آجیل شب یلداتون هم گرون تره؟!
سید حسین بلوچی
• نوزاد: چرا هر بویی میاد به من ید نگاه می کنین؟!
سمانه دائی



فرانس پرس | شیشه پاک کن های یک هتل با لباس عروسی سال نو، ژاپن

تفال

شمشاد خرامان کن و آهنگ گلستان کن
تا سروبیا موز داز قد تو دلجویی
تا غنچه خندان تو دولت به که خواهد داد
ای شاخ گل رعنا از بهر که می روی

از اون لحاظ

سورپرایز خواستگاری



محمد امین فرشاد مهر | طنزپرداز

رسم و رسوم جدید گاهی بسیار دردسرساز است. یکی از این رسم های تازه از راه رسیده، اشکال مختلف غافلگیری یا به اصطلاح فرنگی کاران «سورپرایز» هنگام درخواست ازدواج است. در این سورپرایز، معمولاً طرف آقا طوری فیلم بازی می کند که انگار اتفاق بدی افتاده؛ مثلاً یک تصادف ساختگی صحنه سازی می کنند. زمانی هم که طرف خانم شو که شد و مثل ابر بهار بالای پیکر آقا گریه و زاری کرد، داماد بلند می شود و رو به او می گوید: «با من ازدواج می کنی؟!» خانم هم از شوکی که به وی وارد شده عریده می کشد و همه فکر می کنند از ذوقش است. آخی هم می گویند. یک بار برای خانمی که از بستگان ماست، همین اتفاق افتاد. یعنی این بنده خدا قرار بود در جایی بایک آقای آشنا بشود و مسئله ازدواج را مطرح کنند. خلاصه در یک تور ثبت نام کردیم و همان طور که در موزه راه می رفتیم، خیلی اتفاقی آن فامیل ما و آن آقا همکلام شدند و باز هم خیلی اتفاقی (!) به صحبت درباره معیارهای ازدواج پرداختند. ده دقیقه ای گذشته بود که خانمی که فامیل ما بود، دستش را روی قلبش گذاشت و پخش زمین شد. آن آقا هم شروع کرد به اشک شوق ریختن که ای وای اصلاً انتظار نداشتم به این زودی بخواهی ازم خواستگاری کنی! پریدم بین صحبت هایش و گفتم: «اولا اونی که باید سورپرایز کنه تو یی، نه این خانم! ثانیاً ایشون مشکل قلبی داره اجازه بده کمکش کنم.» آن آقا همچنان با گریه بالای سرش ایستاده بود و بانوک کشش می زد به زانو ی فامیل ما که بسه دیگه بلند شو همسر قشنگم، من سورپرایز شدم. گفتم: «آقا! ایشون مشکل قلبی داره، خودتون تو کیفش رونگاه کنید.» همان طور که گریه می کرد، دست کرد در جیب کیف فامیل مان و قرص زیر زبانی اش را در آورد. بعد که برگه قرص را خوب نظاره کرد، برگه را به شکل حلقه داخل انگشتش فرو کرد. همه هم شروع کردند به سوت و کف زدن و تیریک گفتن!

یادش به خیر



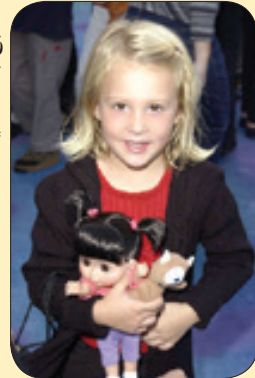
برکت نداشتیم این دمهایی ها رو بپوشیم پرت ممکن بود پامون بره تو دیواره آب یا لونه موسک و مارمولک! یکمه ما رو هم باید به زور نیک و کلنگ من بپوشیدیم یا از پا درمی آوریم! همینا به تهلیه ما رو پیر کردن!

ماوشما

راه ارتباطی ما: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

• چه جالب! چند روز پیش آقای کاردار تو برنامه تلویزیونی شبکه خراسان بود و مطلب آق کمال رو خوندا! خیلی جا خوردم وقتی دیدمشون. بهشون سلام برسونین و بگین ایول! • همسر عزیزم، خوشبختی من در بودن با توست و روز تولد تو تقدیر خوشبختی من است. • همسر تهادی • آق کمال مخواستم ببینم با ای «کمال تعجب» نسبت در یی یا نه؟ چون اویم مثل تو خیلی معروفه! • آق کمال: با کمال تعجب که نه ولی کمال میل، از قوما ی دورمانه! • ممنون برای «قرار مدار» چند وقت پیش. به خاطر این که شنیده بودم بوییدن گل ترگس برای افسردگی خوبه یک شاخه خریدم، این قدر ایراد گرفتند و غر زدند و نیازی نداشته باشه.

منبع: جست لایف



• شخصیت «بو» در پویانمایی «کمپانی هیولاها» با صدای «مری کیس» در واقع فقط صدای یک کودک است. عوامل پشت صحنه قادر به نشاندن او روی صندلی نبودند و حتی نمی توانستند دیالوگش را برایش بخوانند. او در استودیو در حال بازی کردن بود و میکروفون مخصوصی هم بدون این که بداند، به او وصل بود و صدایش را ضبط می کرد!